





**الزام در شناختن حقوق حرفه‌ای مطبوعات، به‌ویژه در سال‌های اخیر و با توسعه کمی رسانه‌ها و به‌میدان آمدن پایانه‌های خبری رایانه‌ای حساسیت و فوریت بیشتری در کشور ما یافته است**

**روزنامه‌نگار، مثل هر شاغل دیگر، خواه و ناخواه باید رضایت مدیران بالادستی را به‌دست آورد**

در فضای روزنامه‌نگاری امروز ما حساسیت فراوانی یافته است؛ به چه کسی روزنامه‌نگار - حرفه‌ای - می‌توان نام داد؟ صاحب این نوشته به دلیل دغدغه‌های شخصی، نیز به سبب کوشش‌های صنفی که داشتیم در این زمینه بسیار شنیده‌ام، خواننده‌ام و پی‌گرفته‌ام. به یاد دارم زمانی در خانه مطبوعات برخی از خدمات رفاهی را برای روزنامه‌نگاران مهیا کرده بودیم. از مطبوعات خواستیم فهرستی از هم‌وندان را برای بهره‌گیری از این خدمات معرفی کنند. مدیر یک نشریه تخصصی پزشکی، فهرستی چندصد نفری از تمام اعضای جامعه صنفی خود را برای ما فرستاد.

در میان انواع ویژگی‌های این حرفه یکی هم این است که به تقریب همه خود را از اهالی آن می‌شمارند. جالب‌تر اینکه هر کس تعریفی از روزنامه‌نگار حرفه‌ای به‌دست می‌دهد که با وضع خود او مطابقت داشته باشد. به یاد دارم در اوایل دهه هفتاد شمسی به‌دلیلی که آمد، از صاحب‌نظران نظر خواستیم معیاری در این تعریف به ما اعلام کنند. روان شاد مهدی بهشتی‌پور که روزنامه‌نگاری سالمند و خود از پایه‌گذاران و فعالان سندیکای خبرنگاران بود، تعریفی ساده و به‌تصور من قابل قبول به‌دست داد: «کسی که نان سفره خود را از راه اطلاع‌رسانی به‌دست می‌آورد». با همه عوامان‌بودن، این تعریف رساست. جالب آنکه مخالفان این تعریف کسانی‌اند که در این تعریف جای نمی‌گیرند؛ نویسندگان مطالب سیاسی که اغلب پیشینه و زمینه‌های حرفه‌ای دیگری - بیشتر سیاسی - دارند و از قضا اینان گروه پرتعدادی هم هستند و در این سال‌ها به‌دلیل سیاسی شدن کامل عرصه مطبوعات، اکثریت نفوذی هم دارند.

استدلال در این تعریف چندان دشوار نیست. خیلی‌ها دوربین دارند و عکس می‌گیرند؛ اما نمی‌توان آنان را عکاس دانست، یا عکاسی که می‌تواند غذاهایی را تدارک کند، نمی‌تواند ادعای آشپزی

در این حرفه ویژگی جالب دیگری هم هست و آن اینکه در ایران و در همه جای دنیا هیچ ناشر و سردبیری مجبور نیست برای اعلان پایان همکاری با یک خبرنگار، دلیل و مدرک ارائه دهد. دیوید رندال<sup>۲</sup> در کتاب گزارشگران بزرگ<sup>۳</sup> و در شرح زندگی لس‌لی پابل<sup>۴</sup>، از قول دیوید انگلیش<sup>۵</sup>، سردبیر بخش امور بین‌الملل روزنامه دی‌لی اکسپرس<sup>۶</sup> آورده است: «مبنای روزنامه‌نگاری، نوآوردن و دیوانه‌گری‌های آزمایش نشده است... حتی اگر سردبیر در ادامه کار یک خبرنگار حرفی نداشته باشد، خود او برای زنده‌بودن بهتر است جای خود را عوض کند» (رندال، ۲۰۰۵، ص ۲۲۸). این خصلت در شغل‌های دیگر نادر است. حق خبرنگار اما این هست که اگر به هر دلیل در نشریه‌ای نتوانست ادامه کار دهد، چرخ زندگی او از گشتن بازماند؛ این هم از جمله حقوق حرفه‌ای روزنامه‌نگاران است. درباره قطع همکاری روزنامه‌نگاران با رسانه‌ای که در آن کار می‌کنند، در ادامه نکته‌هایی خواهیم آورد.

یکی دیگر از ویژگی‌ها این است که روزنامه‌نگار، مثل هر شاغل دیگر، خواه و ناخواه باید رضایت مدیران بالادستی را به‌دست آورد. می‌توان انتظار داشت که روزنامه‌نگار بدون توجه به گرایش، سلیقه یا خواست ناشر یا سردبیر، کار کند؛ به‌خصوص در روزنامه‌های عامه‌پسند، سردبیران بیشتر خواهان مطالبی در زمینه‌های خاص هستند؛ مثل ماجراهای پوچ، اما نفس‌گیر و احساساتی. ناشران در آغاز یک رویداد تصمیم می‌گیرند چه تیترهایی برای آن انتخاب کنند و حتی چگونه آن را به پایان برند. در واقع آنان با تصمیم قبلی و به کمک گزارشگر سیر ماجرا را از پیش می‌سازند (سندرز، ۱۳۸۶، ص ۶۹).

کتاب در زمینه بررسی زاویه‌های این حقوق و مسئولیت‌ها بحث می‌کند. در این راستا دکتر معتمدزاد در فصل دوم بحث شرایط و تعریف روزنامه‌نگار حرفه‌ای را به‌میان کشیده است. این بحث به‌ویژه



**اگر در تاریخ معاصر  
به مردم‌سالاری و  
نقش رسانه‌ها، به‌ویژه  
گروه نوشتاری، در  
شفاف‌سازی روابط  
میان مردم و مسئولان  
باور داریم، ناچاریم  
پذیریم که ایفای  
حقوق حرفه‌ای  
روزنامه‌نگاران در این  
مسیر اهمیت محوری و  
پایه دارد**

کند و در اتحادیه رستوران‌داران عضو شود. چنانکه یک روزنامه‌نگار حوزه دادگاه‌ها نمی‌تواند عضو کانون و کلا شود. گرچه چندصد گزارش و خبر و مقاله هم در این زمینه نوشته باشد، مگر آنکه دیگر صلاحیت‌های وکالت را احراز کرده باشد.

جالب آنکه تعریف‌های ارائه‌شده در این کتاب، چندان از این معیار دور نیستند. برای نمونه تعریف حقوقی روزنامه‌نگار حرفه‌ای در فرانسه (قانون ۲۹ مارس ۱۹۳۵) چنین است: «روزنامه‌نگار حرفه‌ای کسی است که شغل اصلی، مرتب - دائمی - و با اجرت او انجام کار در یک یا چند نشریه روزانه یا یک خبرگزاری است و منابع مالی اصلی خود را از این طریق به‌دست می‌آورد» (ص ۱۸۶). این قانون عکاسان، مترجمان، تندنویسان، طراحان و وابستگان به این حرفه را نیز به شرط اشتغال کامل در رسانه حرفه‌ای می‌شناسد. اما دست‌اندرکاران آگهی را مستثنی می‌داند. تعریف روزنامه‌نگار حرفه‌ای در هند و بنگلادش هم به تعریف بالا شبیه است؛ در الجزایر نیز که سخت‌گیری با ما دارد، روزنامه‌نگار حرفه‌ای چنین تعریف شده است: «هر کس که فعالیت خود را به جست‌وجو، جمع‌آوری، انتخاب و ارائه اخبار اختصاص دهد و این فعالیت را به‌صورت حرفه‌ای مرتب و منبع درآمد اصلی خویش درآورد، روزنامه‌نگار حرفه‌ای شناخته می‌شود» (ص ۱۹۰).

در جامعه روزنامه‌نگاری ماست. فصل دوم کتاب در همین زمینه بحث می‌کند. پس از تعریف روزنامه‌نگار حرفه‌ای و حقوق روزنامه‌نگار، موضوع مهم‌تری، یعنی مرجع تشخیص روزنامه‌نگار حرفه‌ای و مرجع اعطای امتیازهای این حرفه - اگر امتیازی در بین باشد - مطرح می‌شود. دکتر معتمدنژاد در فصل یکم با فرض اینکه چنین مرجعی غیر از تشکل‌های صنفی نمی‌تواند باشد، تجربه‌های کشورهای دیگر و جامعه مطبوعاتی ما را به گستردگی توضیح می‌دهند و در بخش دوم از فصل دوم، درباره صدور کارت شناسایی روزنامه‌نگاران بحث می‌کند. در کشورهای صنعتی شده اتحادیه‌های روزنامه‌نگاران حرفه‌ای به‌موجب قانون، اختیارات صنفی گسترده‌ای دارند. اول اینکه چنین تشکل‌هایی بهترین و دقیق‌ترین محافلی‌اند که می‌توانند درباره حرفه‌ای‌بودن یا نبودن یک داوطلب عضویت تصمیم بگیرند. آنگاه به‌موجب قانون این توان حقوقی را دارند که در مواردی چون دست‌مزد، بیکاری، تحمیل کارهای طاقت فرسا، از کار افتادگی - چه در پی رویدادهای حرفه‌ای و چه به‌سبب تعقیب‌های قضایی - اختلاف با ناشر یا مالک و موارد بسیار دیگر وارد شوند و حقوق حرفه‌ای روزنامه‌نگاران را پی‌گیرند. مراجع قانونی نیز ملزم هستند به آنان پاسخ قابل قبول بدهند.

به‌دست‌دادن این تعریف چه اهمیتی دارد؟ اول اینکه به‌سبب دشواری و حساسیت این حرفه، برای روزنامه‌نگاران در جوامع مختلف امتیازها و تسهیلاتی را در نظر می‌گیرند، مثل تخفیف در خدمات عمومی، بهره‌مندی از پیش‌قدمی در بهره‌گیری از خدمات دیگر (پرواز هواپیماها، قطارها و نظایر آنها)، اجازه ورود به حوزه‌های خبری و از همه مهم‌تر بهره‌مندی از شمول قانون شاغلان در مشاغل سخت و زیان‌آور (بازنشستگی پس از بیست سال کار). در همان کشورها صدور کارت خبرنگاری، آن امتیازها را در پی می‌آورد و وظیفه تشخیص حرفه‌ای‌بودن روزنامه‌نگاران و صدور کارت مربوط به آن بر عهده تشکل‌های صنفی است؛ این نکته، اول و محور بگومگوها و مناقشه‌ها

آنان اهمیت می‌یابد.

موضوع فصل سوم - بخش سوم - قطع همکاری است. مؤلف، در این فصل انواع پایان همکاری - برکناری، کناره‌گیری، پایان همکاری به سبب قطع انتشار و استعفا - را برشمرده‌اند. جان بی. تامپسون<sup>۷</sup> در کتاب رسانه و نوگرایی به این موضوع مهم پرداخته است: «اعتبار و مقبولیت یک روزنامه بستگی کاملی به کیفیت کار روزنامه‌نگاران آن روزنامه دارد. اکنون وقتی روزنامه‌نگاری را از ادامه کار در روزنامه‌ای محروم کنند، حق ندارد از ناشر یا مالک آن درخواست سهم کند؟» (تامپسون، ۱۹۹۶، ص ۲۱۵)

در بحث پایان همکاری و حقوق روزنامه‌نگاران در این زمینه باز موضوع مهم مرجع رسیدگی به اختلاف میان دو سوی کار است. می‌توان انتظار داشت مرجعی که درباره قطع انتشار یک نشریه حکم می‌دهد، خود حافظ منافع حرفه‌ای روزنامه‌نگاران باشد؛ از این گذشته، صرف نظر از روزنامه‌های بزرگ، هنگامی که ناشران از پرداخت حق بیمه روزنامه‌نگاران و بیمه کردن آنان سر باز می‌زنند، رعایت حقوق پس از بیکاری آن روزنامه‌نگاران در اساس معنایی می‌تواند داشته باشد؛ استاد در همین بخش درباره بیکاری گروهی از روزنامه‌نگاران روزنامه فرانسوی فیگارو، به دلیل تغییر روش آن روزنامه نمونه آورده‌اند. دیوان استیناف پاریس در سال ۱۹۸۱ درباره این رویداد نظر داده است: «استعفاي چند تن از مسئولان اصلی هیئت تحریریه ... یک تغییر اساسی است که ... ویژگی و گرایش ایدئولوژیک مخصوص این روزنامه را نیز در برمی‌گیرد ... این دگرگونی ممکن است به شرافت و شهرت طرف استیناف دهنده - روزنامه‌نگاران فیگارو - لطمه وارد کند» (معمدنژاد، ص ۳۱۵).

از دید نگارنده که طی سال‌های اخیر وقت و نیروی زیادی در زمینه حقوق حرفه‌ای اهل اطلاع‌رسانی صرف کرده است، این اثر را باید جدی گرفت. اگر در تاریخ معاصر به مردم‌سالاری و نقش رسانه‌ها، به‌ویژه گروه نوشتاری، در شفاف‌سازی روابط میان مردم و مسئولان باور داریم، ناچاریم بپذیریم که ایفای حقوق حرفه‌ای روزنامه‌نگاران در این مسیر اهمیت محوری و پایه دارد.

شاید مهم‌ترین موضوع در این بحث همان مرجع رسیدگی به امور حقوق حرفه‌ای روزنامه‌نگاران باشد. استاد معمندنژاد در این کتاب بدون توضیح در ترجیح، دو مرجع را معرفی کرده‌اند که عبارتند از: تشکل‌های حرفه‌ای و دولت. نوشتیم که دولت به دلایل گوناگون، حتی اگر خود بپذیرد، مرجع مناسبی نمی‌تواند باشد. نخستین دلیل اینکه هر حزب یا گرایش سیاسی که دولت را تشکیل دهد، به هر حال نمی‌تواند در برابر مطبوعات مخالف، خود را بی‌طرف نگاه دارد. دیگر اینکه به هر حال بخش دولت آن شناخت و دیدگاه حرفه‌ای لازم را برای چنین مسئولیتی ندارد.

سندیکای روزنامه‌نگاران شاید قوی‌ترین و فراگیرترین تشکل صنفی در این حرفه بوده است. شورای انقلاب در سال ۱۳۵۸ این سندیکا را به همراه دیگر تشکل‌های صنفی زیر نام سندیکا، غیرقانونی اعلام کرد. از آن پس تشکل‌های فراوانی شکل گرفتند که همگی دو کمبود مشترک داشتند: نداشتن نفوذ قانونی برای احقاق حقوق روزنامه‌نگاران و نداشتن خصلت احراز نمایندگی از سوی تمام طیف‌های روزنامه‌نگار. از جمله تعاونی مطبوعات، با همه تلاش‌های مفید، تشکلی مربوط به ناشران مطبوعات بود و انجمن روزنامه‌نگاران

از دید قانونی فاقد توان و صلاحیت ورود به حل مشکلات صنفی روزنامه‌نگاران است. برای نمونه مسئولان اجرایی، ناشران و خود روزنامه‌نگاران از منظر قانونی در برابر سندیکا باید پاسخ‌گو باشند؛ در برابر دیگر تشکل‌ها چنین الزامی وجود ندارد.

اتحادیه، شاید مناسب‌ترین شکل امروزی در مسیر حفظ حقوق روزنامه‌نگاران باشد. مثل دیگر اتحادیه‌های صنفی، اتحادیه روزنامه‌نگاران میدان عمل گسترده‌تر و قانونی‌تری دارد. با این همه کوشش‌های روزنامه‌نگاران برای شکل‌دهی به چنین تشکل فراگیری با شکست روبه‌رو شده است. شاید به این دلیل که از اساس نگاه فراگیری به کوشش‌های اثرگذار این حرفه نینداخته‌ایم.

نیز از سال‌ها پیش، به سبب تشابه‌ها و اشتراک‌هایی، پیشنهاد ایجاد یک نظام حرفه‌ای، مثل نظام پزشکی یا کانون وکلای دادگستری، مطرح شده است. این نظام را باید خود روزنامه‌نگاران پدید آورند و مدیران را هم آنان برگزینند. این تشکل به دلیل تسلط به چندوچون و دقایق این حرفه قادر است در بسیاری از زمینه‌های حرفه‌ای روزنامه‌نگاران مثل عضوگیری، رفع اختلاف میان ناشر و روزنامه‌نگار، گزینش نمایندگان مطبوعات در هیئت منصفه جرایم مطبوعاتی، اعلام رأی در زمینه اختلاف در میان خود روزنامه‌نگاران - از جمله موضوع کپی کردن کارها - وارد شود.

کتاب حقوق حرفه‌ای روزنامه‌نگاران را باید مبنایی برای پایه‌گذاری جریان اطلاع‌رسانی فراگیر دانست که به کمک آن و پس از بازنگری حقوق و مسئولیت‌های روزنامه‌نگاران، فضایی مناسب برای گفت‌وگو میان مخاطبان و رسانه‌ها پدید می‌آورد.

#### پی‌نوشت‌ها:

1. Defleur
2. David Randall
3. The Greatest Reporters
4. Lesly Payle
5. David English
6. Daily express
7. Thompson

#### ماخذ

۱. سندرز، کارن (۱۳۸۶). اخلاق روزنامه‌نگاری، ترجمه: علی اکبر قاضی‌زاده، انتشارات روزنامه ایران.
۲. معمندنژاد، کاظم (۱۳۸۷). حقوق حرفه‌ای روزنامه‌نگاران، تهران: دفتر مطالعات و توسعه رسانه‌ها.
3. DeFleur, Martin & Dennis, Everette E. (1998). Understanding Mass Communication. Houghton Mifflin Co., Boston & New York.
- 4 -Randall, David (2005). The Greatest Reporters, Pluto Press, London
- 5- Thompson, B. (1996). Media and Modernity. Polity Press, Cambridge.

#### کتاب حقوق حرفه‌ای

##### روزنامه‌نگاران را

##### باید مبنایی برای

##### پایه‌گذاری جریان

##### اطلاع‌رسانی فراگیر

##### دانست که به کمک

##### آن و پس از بازنگری

##### حقوق و مسئولیت‌های

##### روزنامه‌نگاران، فضایی

##### مناسب برای گفت‌وگو

##### مطلوب میان مخاطبان

##### و رسانه‌ها پدید

##### می‌آورد